

متن پرسش

سلام: با توجه به سخن رهبر که فرمودن روشننگری کنید و با توجه به عملکرد ضعیف دولت در زمینه های مختلف، نظر شما در مورد روشننگری و آگاه کردن مردم از خسارتهای وارده دولت به نظام و کشور و عملکرد دولت چیه؟ بهترین روش روشننگری به چه شکلی هست و به نظر شما در این مورد چگونه به وظیفه خود عمل کنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ما هنوز از نظر تاریخی، در بسیاری موارد خوب و بد خود را نمی‌شناسیم و مردم خود را مناسب اهداف انقلاب اسلامی تربیت نکرده‌ایم. به تعبیر رهبری عزیز «حفظه‌الله» کارهای زمین مانده‌ی بسیاری داریم. عین سخنان رهبری که پس از روی کار آمدن دولت آقای روحانی در تاریخ ۲/۲/۹۲ در جمع دلسوزان فرهنگی مطرح فرمودند خدمتتان ارسال می‌شود. بسم الله الرحمن الرحيم

دریچه ای به دنیای زیبایی از وضعیت مطلوب فرهنگی

خیلی جلسه شیرین و مطلوبی شد امروز بحمدالله؛ برادران عزیز با بیانات خودشان یک دریچه‌ای باز کردند به یک دنیای زیبایی از وضعیت مطلوب فرهنگی و همچنین نشانه‌های بسیار خوب و امیدوارکننده‌ای را دادند از انگیزه‌های جوشان و متراکمی که در این نسل جوان ما الحمدلله هست. آنچه که بنده وظیفه دارم انجام دهم در درجه اول، شکر خداست. ما خیلی چشم انتظار شماها بودیم در طول چندین سال. خب الحمدلله شماها حدس ما هم همین بود. این دوستان پیشکسوتی که مشاهده می‌کنید، در یک دوره‌هایی (که ما خُب از نزدیک این برادران پیشکسوت هنری و فرهنگی را خیلیشان را از نزدیک می‌شناسیم) در یک دوره‌ای واقعا در اقلیت بودند، در غربت بودند؛ هر کدامشان، چه در دنیای ادبیات، چه در دنیای هنر و بقیه عرصه‌های فرهنگی. امروز خوب شما الحمدلله جوانان آمید تو میدان و من پیش‌بینی می‌کردم، امیدوار بودم که یک چنین اتفاقی بیفتد. یک وقتی هم در نماز جمعه اشاره کردم، سالها پیش؛ شاید ده - دوازده سال پیش، گفتم که بعضیها می‌گویند ریزش داریم، من هم قبول دارم ریزشها را، اما معتقدم رویش‌ها از ریزش‌ها قویتر و ان شاءالله پربرکت‌تر است. الحمدلله همین هم شده. ان شاءالله موفق و موید باشید.

گزارش کم مطلب و پر حجم

حسن این گزارش‌های شما، هم این بود که پرمطلب و در واقع کم حجم بود؛ یعنی با اینکه حالا مثلاً برادرمان آقای حاج حسین یکتا (حدود، نمی دانم چقدر صحبت کردید شما؟ چهل دقیقه) اما خوب به نظرمی رسید که بیش از چهل دقیقه ایشان حرف ریختند توی دایره و به خصوص بیان ایشان هم خوب، خوش بیان، خوش ذوق و خوش تعبیر. (اینها همش امتیازاته) همچنین برادران دیگری که گزارش دادند، آدم احساس می کند که آنچه پشت این گزارشها، پشت این الفاظ، وجود دارد در ذهن‌ها و در دل‌ها، خیلی وسیع‌تر و شاید عمیق‌تر است. حالا وسعتش که قطعی است از آن چیزی که در الفاظ و کلمات بیان می شود.

نگرانی حقیقی بنده، نگرانی فرهنگی است

من اولین مطلبی که می خواهم عرض بکنم به شما این است که در زمینه فرهنگی، که آقای سرلشگر جعفری توضیح دادند، درست از قول بنده نقل کردند که حقیقتاً بنده نگرانی ام در طول سالهایتمادی، بیش از نگرانی سیاسی و اقتصاد و اجتماعی، نگرانی فرهنگی بود. علت هم برای شما واضح است، البته برای خیلی‌ها واضح نیست، اما شما خودتان اهل فرهنگید می‌دانید که فرهنگ هواست، اگر این هوا سالم بود یک بدن مستعد با تنفس آن، خوب انرژی می‌گیرد، اگر هوا مسموم بود آدم‌های سالم هم صرف تنفس تو این هوا، مریض می‌شوند. ناتوان می‌شوند، معلول می‌شوند، فرهنگ یک چنین حالتی دارد. پشت این ناهنجاری‌های فرهنگی یک برنامه ریزی احساس می‌شود.

این نگرانی یک نگرانی به جایی بود. این نگرانی‌های بنده از روی آشنایی و آگاهی و واقعیت‌های جامعه بود، توهمات نبود. آنی که من در مجموع احساس کردم در این سال‌هایتمادی این است که، این کارهای فرهنگی که در واقع ناهنجاری‌های فرهنگی که در گفتار، در آثار فرهنگی و در رفتار مشاهده می‌شود نه اینکه بخواهیم بگوییم که همه‌اش را دشمنان دارند ترتیب می‌دهند و تزریق می‌کند، این را نمی‌شود گفت؛

لکن پشت این ناهنجاری‌ها یک برنامه وجود دارد. انسان این را احساس می‌کند، یعنی این طور نیست! حالا گاهی هستش که فرض بفرمایید در یک جمع، یک آدمی خیال و مست که کارهای عجیب و غریب انجام می‌دهد، نمی‌شود گفت که این حرکتی که این آدم ناباب یا مست یا بی‌خیال انجام داد این را قبلاً بهش دستور دادند مثل یک هنرپیشه، که می‌گویند این کار را بکن انجام داده؛ نه! لکن گاهی اوقات پشت صحنه یک نفر، دو نفر نشسته‌اند، این حرکات را رصد می‌کنند، و آنجایی که باید تشدید کرد، تشدید می‌کنند، آنجایی که باید تضعیف کرد تضعیف می‌کنند، آن جایی که باید باهم جفت و جور کرد، جفت و جور می‌کنند. یک برنامه ریزی انسان احساس می‌کند پشت این حوادث فرهنگی و آفتهای فرهنگی که سر راه ما پیدا شده در طول این افراد و حتی مجموعه‌ها به تنهایی کار بر نمی‌آید، باید یک کار وسیع جبهه ای انجام داد و وقتی انسان نقطه مقابل خودش را

نگاه می‌کند، یک جبهه‌های می‌بیند. ما در مقابلمان جبهه فرهنگی سیاسی غرب وجود دارد که در دل این جبهه، باز یک جبهه سرمایه‌داری خطرناک و آدم خوار وجود دارد، باز در کنار این، یک جبهه صهیونیستی با اهداف مشخص وجود دارد، باز در کنار این، یک جبهه ارتجاع فکری و خوک صفتی در زندگی بشری وجود دارد، سلاطین و این مسئولان و متولیان اموری از حکومت‌ها، زندگی حیوانیشان مثل خوک و اهدافشان، اهداف دشمنان و فکرشان، فکرهای متحجر، که این‌ها همه یک مجموعه‌ای را تشکیل دادند در مقابل ما؛ یک جبهه هستند، ما اگر بخواهیم در مقابل این جبهه کار کنیم هم ما باید تنوع داشته باشیم، هم باید ابتکار داشته باشیم، هم باید انگیزه داشته باشیم، هم باید برنامه داشته باشیم، کارمان هدایت شده باشد و این نمی‌شود مگر با تشکیل جبهه. این طرف هم بایستی جبهه تشکیل داد. از افرادو حتی مجموعه‌ها به تنهایی کاربر نمی‌آید، باید یک کار وسیع جبهه‌ای انجام داد، این کار هم جز با حضور مردم امکان ندارد؛ یعنی ابتکارات مردم خیلی از کارها را میکند.

متشکل کردن تشکل‌های مردمی؛ باری بر زمین مانده حالا شما آمارهایی دادید که برای من جدید بود، من این آمارها را نمی‌دانستم، اما می‌دانستم یک حجم عظیمی از فعالیت‌های مردمی در زمینه‌های فرهنگ وجود دارد. در طول این سال‌ها به افراد متعددی هم، من تکلیف کردم، که بروید این تشکل‌های مردمی، این مجموعه‌ها، این واحدهای مردمی را که دارند کار فرهنگی خودشان میکنند، بروید اینها را پیدا کنید، تشویق کنید، متشکل کنید، پشتیبانی ممکن، در حدود ممکن پشتیبانی کنید، نتوانستند. آن کسانی که بنده به آنها تکلیف کردم نتوانستند. یک چنین حرکت عظیمی لازم

است، خوب حالا شما وارد این میدان شدید، این مسئولیت را به عهده گرفتید، بسیار کار خوبی است، بسیار کار تقدم ابتکارات و جوشش‌های فردی و درونی بر اقدامات متمرکز لوازمی دارد این کار، یک لوازمی دارد که این لوازم را باید رعایت کرد. البته من در همین جا هم به شما عرض بکنم که تقدم ابتکارات اشخاص را و جوشش‌های فردی و درونی آدم‌های متنوع رابه آنچه که حالا به صورت متمرکز به ذهن بنده و امثال بنده ممکن است بیاید، این تقدم را من قبول دارم. یعنی معتقدم آنچه که از مجموعه شماها بر می‌آید راقی‌تر و عمیق‌تر از آن چیزی است که به ذهن من می‌رسد، لکن چیزهایی هم به ذهن من می‌آید که می‌خواهم بگویم که به آن توجه کنید.

آفت‌شناسی کار جزء واجب‌ترین کارهاست یک مسئله این است که وقتی شما یک حرکتی به این عظمت را شروع میکنید، کار، خیلی کار بزرگی شما شروع کردید، ابعاد این کار خیلی ابعاد وسیع و بزرگی است. از جمله اولین کارهایی که باید انجام بدهید این است که یکجایی برای آفت‌شناسی این بگذارید. چون کار بزرگ است و وقتی کار بزرگ بود، آفتش هم خسارت‌بار است. از همین اول کار، شما نگاه کنید ببینید این کار وسیع و عظیم شما، چه آفت‌هایی می‌تواند پیدا کند. این به نظر من از واجب‌ترین کارها است. اینکه از اول این کار، نگاه کنید این کار عظیم شما چه آفت‌هایی می‌تواند پیدا کند، نه نظر من جزء واجب‌ترین کارهاست. ماداشتم؛ مجموعه‌هایی البته نه با این وسعت، که خوب

شروع کردند، لکن خوب تمام نکردند؛ نمونه‌های از این قبیل ما داشتیم، متعدد هم داشتیم. اگر

مراقبت نکنید و از اول آفت‌ها را نبینید با دقت تمام، گرفتار خواهید شد. آفات هم به خصوص در زمینه های فرهنگی تدریجی وارد می شوند. یک باره و چشم‌گیر وارد نمی‌شوند، به تدریج می‌آیند. یک وقت انسان احساس میکند که یک ضربه سختی خورده که تدارکش دشوار خواهد بود. این یکی از توصیه های بنده است این چنین کار بزرگ و گسترده ای، پشتوانه فکری و نظری بسیار محکمی لازم دارد

یک توصیه دیگر که اینهم به نظر من خیلی مهم است، البته شما در گزارش تان اشاره کردید که به این توجه داشتید من میخواهم تأکید کنم، این است که این چنین کار بزرگ و گسترده‌ای، پشتوانه فکری و نظری بسیار محکمی لازم دارد. اگر این پشتوانه فکری و نظری را نداشته‌اید، وسط راه، تشکیلاتتان درون خودش ممکن است دچار انحراف بشود، دچار رکود و ارتجاع بشود. اگر این پشتوانه فکری وجود نداشته نباشد، این خطرها در کمین شماست. یک کار به شدت قوی و عمیق نظری و نرم افزاری حتماً احتیاج دارید. حُب حالا آقایانی را که اشاره کردند آقای جعفری، که اینها پشتوانه اند، اسم آوردند چند نفر از آقایان را، همه شان را تا آنجایی که من می‌شناسم، بسیار خوبند؛ لکن من وزن این کار عمیق و وسیعی را که شما شروع کردید، خیلی وزن سنگینی می‌بینم که این به نظر من میرسد که این پشتوانه فکری و فرهنگی بایستی خیلی مورد اطمینان باشد. اگر نشد، دچار سطحی نگری میشوید، دچار انحراف می‌شوید. نه این که شما منحرف بشوید، تشکیلاتتان آفت انحراف پیدا خواهد کرد، آفت سطحی نگری پیدا خواهد کرد، آفت تکرار پیدا خواهد کرد، احیاناً آفت تحجرهای خطرناک پیدا خواهد کرد. این هم یک نکته ای است که باید به آن توجه بکنید. ببینید چه کاری زمین مانده است؛ نگاه کنید ببینید خلاء کجاست، آن خلاء را پر کنید

یک نکته ی دیگری که وجود دارد بحث اولویت‌هاست. نگاه کنید ببینید چه کاری زمین مانده است. حالا یک وقتی هست یک مجموعه‌ای دارند کاری را خودشان انجام می‌دهند، شما برای آن نظیری هم سراغ ندارید؛ خوب پشتیبانی میکنید اشکالی هم ندارد. چنانچه هر جا ملاحظه کردید این کاری که شما می‌خواهید انجام دهید قبلاً یک جایی دیگری برای این کار تدارک دیده شده، خوب اقدام اول این است بروید سراغ آنجا، ببینید این تدارک، تدارک کافی و قانع کننده‌ای هست یا نیست. اگر بود، بار از دوش شما برداشته‌است و شما توجهتان را به آنجا جلب کنید، تشکیلات و افراد را هم به آنجا ارجاع بدهید. اگر نبود، سعی میکنید تکمیل کنید. کم پیش می‌آید که انسان یک مرکزی را به این شکل پیدا بکند بعد ببیند که صد در صد نمیشود با این همکاری کرد. مجبوریم یک کار تاسیسی به وجود بیاوریم، که البته معلوم نیست زیاد از این قبیل موارد پیش بیاید، حالا مثلاً فرض کنید نمونه روشن اش کار تبلیغ است که شما اشاره کردید. این که شما به فکر کار تبلیغ هستی خیلی خوب است، لکن دوجور کار است. یک جور کار مثلاً کار حجاب و مدرسه که ما هیچ جانظیرش را نداریم، یعنی این یک کار کاملاً جدیدی است و در آن موازی کاری علی‌الاجاله حالا حالاها قابل تصور نیست؛ به خاطر این

که حالا یک زوجی پیدا شدند که مثلاً ده تا مدرسه را پوشش میدهند اگر ده تا زوج همراه با اینها شدند، صدتا مدرسه را پوشش خواهند داد، صدتا مدرسه از هزاران مدرسه تو کشور کم، مابقیش هنوز احتیاج دارد. یا مثلاً آن کاری که گفتید مثل فرستادن مبلغ در مترو و جاهایی که گفتید، جدید است و کارهایی است که نظیر ندارد، لکنیک وقت بحث فرستادن مبلغ است، خُب دوستان حوزه و یا همین دوستانی که اشاره کردید تشریف دارند میدانند در حوزه کارهای تبلیغاتی زیادی انجام می‌گیرد حتی آنجاها موازی کاری بود، ما به بعضی از مجموعه‌ها گفتیم اعزام مبلغ نکنند. بنشینند برای اعزام مبلغ برنامه ریزی کنند. یعنی دیدیم یک خلأیی وجود دارد گفتیم این کار را بکنید. شما نگاه کنید ببینید خلا کجاست، آن خلا را پر کنید.

یا در زمینه مسائل قرآنی هم همین جور است. تفصیلات را حالا خود شما باید بگردید پیدا کنید. منظور این است که موازی کاری به معنای دوباره کاری درست نیست. حالا نه این که هر کار موازی غلط باشد. نه! گاهی کارهای موازی چون نیاز زیاد است، لازم است، اما دوباره کاریها اضافه کاری‌های بی منطق رامواظب باشید پیش نیاید و جلوییش را بگیرید.

تو همین کار بسیار خوب سایبری که ایشان اشاره کردند به وجود آمده و کارهای بسیار خوبی انجام گرفته، خوب این مرکزی که تشکیل شد برای سایبری، مراقب باشید ناهماهنگی بوجود نیاید یعنی یک کاری انجام نگیرد که در جایی دیگر هم آن کار دارد انجام می‌گیرد یعنی کاملاً همدیگر را بیوشانند. بنابراین این هم مسئله مهمی است که سرخودتان را خیلی شلوغ نکنید به کارهایی که دیگران هم دارند انجام می‌دهند و یک گوشه چشمی می‌تواند خلأیی را یا کمبودی را از آنها پر کند، باز شما خودتان بروید مشغول شوید این خیلی لزومی ندارد، کارهای نشده و نکرده که شما باید انجام دهید خیلی هست. نگاه کنید ببینید اولویت‌ها چیست. این مجموعه‌ها را به خودتان وابسته نکنید؛ محاذیری دارید یک مطلب دیگر هم این است که شما پشتیبانی‌های مالی‌تان خوب است، یعنی امکانات مالی، یکی از مسائل مهم یک چنین کارهای فرهنگی، مسائل مالی و بودجه و پشتیبانی‌های اینجوری است. از این جهت شما وضع‌تان خوب است، دست‌تان باز است اینطور که من اطلاع دارم و کارهای خوبی انجام می‌گیرد به خصوص که تشریفات و گرفت و گیریه‌های تشکیلاتی و بروکراسی در میان نیست، لکن اگر بتوانید به جای کمک مالی، آن جاهایی که ممکن است - یک جاهایی هست که احتیاج به کمک مالی است، بدون آن امکان ندارد کار پیش برود - اما یک جاهایی هست که کمک‌های مالی می‌تواند تبدیل شود به زمینه‌سازی برای روی پا ایستادن این‌ها باشد، که شما خودتان هم گفتید که بعضی‌ها می‌گویند که با ما این طور رفتار کنید، درست هم همین است. یعنی شما اگر چنانچه مثلاً وسیله پخش محصولات آنها را فراهم بکنید، اینها احتیاج به کمک مالی شما ندارند یعنی به خودتان وابسته نکنید مجموعه‌ها را، - که من دیروز به مناسبتی این را به آقای جعفری اشاره ای کردم - محاذیری دارد، یعنی در آینده مشکلاتی را برای شما و برای آنها فراهم می‌کند.

تشکیلاتتان را حتی المقدور ستادی نگه دارید و وارد صف نشوید مطلب دیگر این است که تشکیلاتتان را حتی المقدور ستادی نگه دارید و حتی المقدور وارد صف نشوید، صف را به عهده همین مجموعه‌های مردمی بگذارید. بنشینید تدبیر کنید. هدایت کنید، مدیریت کنید، مدیریت به معنای مورد نظر در این قضایا، نه به معنای تصدی‌گری. در واقع یک مرزی برای خودتان قائل بشوید بین

صف و ستاد؛ و حتی المقدور وارد کارهای عملیاتی نشوید، عملیات را بگذارید به عهده دیگران و شما بنشینید تدبیر کنید. یک کار به این وسعت، به نظر میرسد که اگر بخواهد ادامه پیدا کند، این بیشتر امیدهم خودتان و هم کسانی که با شما مربوط هستند را توجه بدهید به خودسازی یک نکته دیگری هم که لازم است توجه کنید این است که شماها که گردانندگان این کار هستید در بخشهای مختلف، هم خودتان و هم کسانی که با شما مربوط هستند را توجه بدهید به خودسازی، ببینید شما اشاره کردید به جهاد اکبر و جهاد اصغر، جهاد اکبر این است، یعنی اگر ما توانستیم، با بت درونی و شیطان درونی مبارزه کنیم در همه این میدان‌ها پیروزیم. اگر آنجا شکست خوردیم و مغلوب شدیم در این میدان‌ها پیروزی پیدا نخواهیم کرد. حالا ممکن است در این میدان‌ها جوله‌ای یک وقت انسان پیدا کند اما دولت حق نخواهد شد، آنجا را بایستی علاج کرد، درونمان را باید درست کنیم. مراقب باشند جوان‌هایی که متصدی بخش‌های مختلف هستند که تقوا را، پرهیزگاری را و پاکدامنی را در درون خودشان تقویت کنند، اینها چیزهای لازمی است. اگر این را ما توجه نکردیم و رعایت نکردیم کمیتان لنگ خواهد بود در بسیاری جاهای گوناگون، به در زمینه مالی، نظارت مومنانه و نه دیوان سالارانه لازم است در زمینه‌های مالی هم، من اعتقاد این است که همان جاهایی که کمک می‌کنید و باید کمک کنید یک نظارت مومنانه و نه نظارت دیوانسالارانه لازم است، باید وجود داشته باشد. بالاخره نگاه کنید ببینید چه قدر هزینه می‌کنید، کجا و چطور هزینه می‌کنید؛ به اینها توجه کنید، این طور نباشد که یک بی‌حساب و کتابی تلقی بشود. نفستان را نفس عمیق قرار بدهید، نگذارید نفستان بین راه قطع بشود کارها، کارهای بسیار مهمی است آنچه که شما به آن همت گماشته‌اید، مهم این است که کار ادامه پیدا کند. نفستان را نفس عمیق قرار بدهید، نگذارید نفستان بین راه قطع بشود. البته این الزاماتی دارد؛ اگر می‌خواهید نفستان، نفس عمیقی باشد، الزاماتی دارد؛ هم الزامات روحی و معنوی و هم الزامات مدیریتی و تدبیری دارد و اگر چنانچه به این الزامات توجه نشود کار چنانچه باید و شاید ادامه پیدا نخواهد کرد. به هر حال اینها چیزهایی است که باید رعایت کرد. ممکن است من برخی از تذکراتی که لازم هست را بعداً به شما منتقل کنم.

از گسترش نفوذ و کلمه در سطح کشور در مسائل زودبازده، سعی کنید استفاده نشود.

یک چیز مهم که الان به این مناسبت، به خصوص در این برهه زمانی لازم است عرض کنم، از گسترش نفوذ و کلمه در سطح کشور در مسائل زودبازده، سعی کنید استفاده نشود. مثل انتخابات و فلان و اینها. حیف است که کار وسیع فرهنگی را که انسان می‌خواهد انجام دهد، این را وسیله‌ای قرار بدهد

که در انتخابات یکی جلو بیاید و یکی عقب برود. به نظر من حیف است این تشکیلات را تا جایی که ممکن است صرف این جورکارهای زودبازده کنید. البته من انتخابات را به عنوان مثال گفتم ما باید یک بنیه فرهنگی قوی هم در خودمان، هم در مجموعه نظام و هم در تک تک مردم به وجود بیاوریم این کارها را باید برای تقویت بنیه فرهنگی به کار برد. ما باید یک بنیه فرهنگی قوی هم در خودمان و هم در مجموعه نظام به وجود بیاوریم، هم در تک تک مردم به وجود بیاوریم. ما اگر بخواهیم به آن هدف والایعنی ایجاد یک تمدن اسلامی به معنای حقیقی کلمه، که در آن هم دنیا است و هم آخرت، هم عزت در ملاءعلی هست و هم عزت در روی زمین است. این آن هدفی است که ما داریم. اگر بخواهیم به این برسیم که این خودش وسیله‌ای است برای تعالیم عنوی روح انسان و عبودیت واقعی که خدای متعال، ما را برای آن خلق کرده، اگر اینها را بخواهیم دسترسی پیدا کنیم احتیاج داریم خیلی کار بکنیم، خیلی تلاش بکنیم و بنیه قوی لازم داریم برای پیشرفت. باید بنیه فرهنگی خود را قوی کنیم، بنیه آحاد مردم و تک تک مردم را. ان شاءالله خداوندادامه راه با استحکام زیرساخت‌ها ممکن است سوال مطرح کردید ادامه راه چگونه خواهد بود؟ من عرضم این است که ادامه راه با استحکام زیرساخت‌ها ممکن است. اگرچنانچه زیرساخت‌ها را محکم کردید، کار در ادامه آسان خواهد شد. هرچه بی سر و صداتر و بی‌انتساب حرکت کنید بهتر است هرچه بی سر و صداتر حرکت کنید بهتر است. تعبیر چراغ خاموش، که چند نفر از دوستان مطرح کردند تعبیرخوب و درستی است. منتها بعضی کارهایی که گفتید خیلی هم چراغش خاموش نیست. بعضی کارها بروز و ظهور بیرونی هم دارد، در یک حدی لازم است، اشکالی هم ندارد، اما هرچه بی سر و صدا و بی‌انتساب وجودبارها ما عرض کردیم برخی ها، کار را نکرده، تابلو می‌زنند. از یک جاده ای بنده عبور میکردم نزدیک یک شهری، چند سال همانطور از آنجا عبور میکردیم یک تابلویی من دیدم روی زمین افتاده، یک چیزی روی آن نوشته اند، روی زمین هم افتاده. امسال افتاده بود، سال قبل افتاده بود، بعد هم نرفتیم ببینیم، شاید تا حالا هم، آدم برود، تابلوی آن بالا باشد و زمین هم همینطور افتاده باشد. این فایده ای ندارد. بعضی جاها هست که هیچ تابلویی هم ندارد اما جوشش کار و حرکت آنجا فراوان است، این با ارزش است.

این کارها را یک جایی آماده کنید من بیایم ببینم حالا این کارهایی هم که اشاره کردید بعضی هایش، چون من ندیدم این کارها، بعضی هایش بد نیست با اینکه وقت هم نمی‌کنم متأسفانه، متأسفانه بنده مجال اینکه، خودم هم بلد نیستم این کارهای دستی را، برقی را، اینها را باید بیایند برای ما درست کنند لذاست که کمتر مجال پیدا می‌کنم، چاره ای نیست جز اینکه برخی از کارها را ببینم ما، هم کارهای پویانمایی را، سرود و از این چیزهایی که اشاره کردند یا آن برنامه پانصد شبانه روز را، یا یک روز آماده شده را، بد نیست اینها را یک نگاهی بکنیم، بد نیست اینها را یک جایی آماده کنید من بیام ببینم. بد نیست آدم دلش خوش بشود. ما که شماها را دعا می‌کنیم اما خوب وقتی آدم می‌بیند گرمتر دعا می‌کند. انسان گرمتر دعای عاقبت به خیری می‌کند. والسلام. موفق باشید

